

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و قشرهای مختلف مردم - 9 بهمن/ 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيما بقيّة الله فى الارضين.

تبریک عرض میکنم عید سعید مبعث را به شما حضار محترم، به همه‌ی ملت ایران، به همه‌ی امت بزرگ اسلامی و به همه‌ی آزادی‌خواهان و آزادگان عالم. مبعث پیغمبر اکرم برای آزادگان عالم هم حقیقتاً عید است. امسال، عید مبعث با بهمن پیروز هم‌زمان شده. امیدواریم که جریان بهمن، جریان انقلاب اسلامی، حرکتی که ما داریم میکنیم و نیت بنیان‌گذار این حرکت، تبعیت از پیغمبر و بعثت بوده است، ان شاء الله در همین طریق ادامه پیدا کند و راه خودش را پیش ببرد.

تشکر میکنم از بیانات بسیار خوب و مفید رئیس‌جمهور محترممان. امیدواریم ان شاء الله توفیق پیدا کنیم و به این مطالبی که ایشان اشاره کردند، به توفیق الهی ان شاء الله عمل کنیم. یک کلمه‌ای درباره‌ی بعثت عرض میکنم، بعد هم یک جمله درباره‌ی مسائل پیرامون خودمان.

بعثت یکی از مبارک‌ترین و بزرگ‌ترین رخدادهای عالم وجود و تاریخ بشریت است؛ یعنی یک حادثه‌ی معمولی نیست، [بلکه] جزو برترین حوادث تاریخ بشریت است. خب، حوادث بزرگ کارکردهای زیادی در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی دارند، لکن یکی از مهم‌ترین و شاید بشود گفت مهم‌ترین کارکردهای رخدادهای بزرگ عبارت است از: ایجاد تحول فکری و ادراکی در مخاطب. آن وقتی یک تحول عظیم و یک حادثه‌ی بزرگ خواهد توانست در واقعیت زندگی مردم اثر بگذارد و ماندگار بشود که قادر باشد تحول فکری در مخاطب خود به وجود بیاورد. فکر که درست شد، عمل هم درست خواهد شد؛ عمده این است. نظام زندگی بر اساس آن اندیشه‌ای و آن فکری است که در اداره‌کنندگان زندگی وجود دارد. اگر تحول فکری و ادراکی و فهم عالم وجود در انسانها و در جوامع به وجود آمد، آن وقت نظامهای سیاسی، اقتصادی، نظامهای اخلاقی، نظامهای اجتماعی بر اساس آن به وجود خواهد آمد و تشکیل خواهد شد. بعثت پیغمبر اکرم از این جهت برجسته است. [البته] جهات برجستگی بعثت از همه‌ی حوادث گوناگون دیگر متعدّد است که خب محلّ بحث ما نیست، اما در همین خصوصیت هم بعثت نبی اکرم فوق‌العاده است: تحولی که به وجود آورد؛ با چه کسانی، چه افکاری، چه رفتاری و چه جامعه‌ای مواجه شد و آنها را تبدیل کرد به چه انسانهایی، به چه جامعه‌ای، به چه مردمی؛ چه در زمان خود و چه در طول زمان.

خب، عامل این تحول چیست؟ یعنی همه‌ی پیغمبران، از جمله پیغمبر عظیم‌الشان اسلام وقتی میخواهند این تحول را انجام بدهند، ابزارشان چیست؟ آن عاملی که این تحول را به وجود می‌آورد چیست؟ دو چیز است: «عقل» و «ایمان». عقل یک قوه‌ی ویژه‌ای است که خدای متعال در همه‌ی انسانها به ودیعت گذاشته که بعضی از انسانها آن را فعال میکنند، از آن استفاده میکنند، بسیاری هم آن را فعال نمیکند. ایمان هم مثل عقل [است]؛ در فطرت همه‌ی انسانها ایمان به حقیقت، ایمان به خدا وجود دارد، [اما] انسانها فراموش میکنند. پیغمبران می‌آیند عقل را بیدار میکنند، تا انسان را به یاد ایمانش بیندازند. شما ملاحظه کنید در قرآن، «ذکر» - به یاد آوردن - چقدر تکرار شده. این ایمان در من و شما هست؛ باید آن را به یاد ما بیاورند، باید ما را به آن متوجّه کنند. وقتی که عقل و ایمان زنده شد، زندگی رشد میکند؛ هر کدام کارکردی دارند. آن وقت انسان برخوردار از عقل و ایمان قادر میشود که راه زندگی را، صراط مستقیم را پیدا کند و در آن حرکت کند.

در قرآن، حالا مثلاً در مورد عقل، شواهدی قرآنی که بخواهیم عرض بکنیم، ده‌ها بار تکرار شده است: اَفَلَا يَعْقِلُونَ، (۲) لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، (۳) لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ، (۴) ۱ فَلَا يَتَذَكَّرُونَ، (۵) وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ. (۶) یعنی مسئله‌ی عقل، توجه به عقل و به کار بردن عقل در قرآن یک قلم برجسته‌ی از تعلیم قرآنی است. هر کسی مسلمان است بداند که سروکارش باید با عقل باشد، با عقل کار کند، از عقل استفاده کند، عقل خودش را رشد بدهد، تربیت کند.

در مورد ایمان هم در دعوت همه‌ی انبیا اول چیزی که گفته شده است، توحید است. توحید فقط یک اعتقاد ساده به اینکه خدایی هست و واحد است، نیست؛ توحید، شاکله‌ی جهان‌بینی اسلامی است. جهان‌بینی اسلامی را از هر طرف که نگاه کنیم به توحید میرسیم و همین توحید، شاکله‌ی جامعه‌ی اسلامی را هم تشکیل می‌دهد. لذا شما ملاحظه کنید مثلاً در سوره‌ی اعراف، آنجایی که راجع به پیغمبران و دعوت آنها – حضرت نوح، حضرت هود، حضرت صالح و غیره – مطالبی بیان می‌فرماید، اولین حرفشان این است که «یا قومِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»؛ توحید. البته در کنار توحید، بحث معاد هم مطرح میشود؛ در همین آیه‌ی شریفه: یا قومِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ اِنِّیْ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ، (۷) آن یوم عظیم، قیامت است. یا در سوره‌ی شعراء، آنجا هم باز همین جور، اسم پیغمبران یکی‌یکی آمده، اولین حرفشان این است که «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا»؛ (۸) تقوای الهی. اطاعت از پیغمبر هم به خاطر این است که وقتی که خدای متعال پیغمبر را مبعوث کرد، او کمک میکند به عقل انسان برای اینکه خطا نکند، اشتباه نکند، عوضی نبیند، سراب را آب نپندارد؛ انبیا [کارشان این است]. لذا «اطیعون» هم دنبال این می‌آید به خاطر همین که [انسان] یک راهنمایی داشته باشد تا کمکش کند.

آن وقت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: وَ وَاتَرِ اِلَيْهِمْ اَنْبِیَاءَهُ لَیْسَتْ اَدْوَهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ یَذْکُرُوهُمْ مَنْسِیَّ نِعْمَتِهِ وَ یَحْتَجُّوْا عَلَیْهِمْ بِالْاَنْبِیَاءِ وَ یُثِیْرُوْا لَهُمْ ذَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ (۹) خدای متعال پیغمبران را برای این چیزها، برای این هدفها مبعوث فرموده: میثاق فطرت، منسی نعمت، بعد هم برانگیختن دفینه‌های عقل؛ وَ یُثِیْرُوْا لَهُمْ ذَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ استخراج کند این دفینه‌ها را؛ حالا این دفینه به چه معنا است؟ یا به معنای گنج است – که ما دفینه که می‌گوییم، معمولاً مرادمان گنج است و آن را اراده می‌کنیم – یا نه، [به معنای] عقلهای دفن‌شده‌ی در زیر خرافات و توهمات و تصورات باطل و حرفهای گوناگون و مکتبهای گوناگون و غیره [است]. آن حرف حقیقی و حرف درست، آن یک کلمه‌ی صحیح «لا اله الا الله» گاهی دفن میشود. آن فهم عقلانی صحیح در زیر این حرفهای باطل گاهی دفن میشود، فراموش میشود؛ یکی از این دو معنا مراد آن بزرگوار است. پیغمبران می‌آیند که عقل را از زیر اینها استخراج کنند، بیرون بیاورند. خب، این حالا راجع به بعثت.

ما [باید] چه کار کنیم؟ این جور عرض می‌کنم که به نظر من بعثت یک حادثه‌ی دفعی نیست. یک وقت یک برقی می‌زند و خاموش میشود؛ بعثت این جوری نیست؛ البته چرا، برای منافق این جور است: ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِی ظُلُمَاتٍ لَا یُبْصِرُونَ؛ (۱۰) آدمی که از ته دل ایمان ندارد، یک برقی می‌زند، یک روشنی‌ای برایش پیش می‌آید، بعد در زیر اهواء، هوسها، فراموشکاری‌ها، غفلتها و بقیه‌ی عیوبی که دارد خاموش میشود. اما در غیر منافق، در جریان طبیعی عالم، کل بعثت یک جریان است، یک امر مستمر است؛ مال یک زمان خاص، مال یک روز خاص نیست، مال همیشه است؛ نه فقط بعثت رسول اکرم، [بلکه] همه‌ی انبیا؛ حرف اصولی انبیا [مال] همیشه است. در قرآن کریم به کفار می‌گوید: خب شما که ادعا میکنید، یک کتابی بیاورید که از این دو کتاب هدایت‌کننده‌تر باشد؛ (۱۱) «دو کتاب» یعنی یکی قرآن و یکی تورات. ما به انبیا ایمان داریم؛ به همه‌ی انبیا ایمان داریم؛ منتها وقتی یک نبی بعدی آمد، حرف نبی قبلی را تکمیل میکند، پس [حرف] او منسوخ میشود. نسخ به این معنا است: [حرف] او را تکمیل میکند، یک چیزهایی‌اش را عوض میکند و یک چیزهایی‌اش را بر طبق زمان تکمیل میکند. بنابراین این جریان – جریان دین، جریان بعثت – یک جریان مستمر و همیشگی است.

«همیشگی است» یعنی چه؟ یعنی در همه‌ی دوره‌ها میشود از برکات بعثت استفاده کرد؛ یعنی همان تحوّل که در اوّل بعثت به وجود آمد و خود نبی مکرّم اسلام سینه سپر کرد و آمد وسط میدان و کارها را خودش با آن تلاش غیر قابل توصیف انجام داد، این [تحوّل] در همه‌ی زمانها به تناسب – تناسب انسانها، با تفاوت ما با آن قله‌ی عظیم – ممکن است؛ منتها شرطش چیست؟ شرطش این است که آن دو عاملی را که آن بزرگوار در اختیار گرفت و به کار برد، به کار ببریم: یعنی عقل و ایمان. اگر عقل و ایمان را ما به کار بیندازیم، بعثت به وجود می‌آید، تحرّک به وجود می‌آید، تحوّل به وجود می‌آید. تحوّل در ذهن، تحوّل در واقعیت زندگی را به وجود می‌آورد؛ مشکلات برطرف میشود، اصلاح میشود. درسی که باید از بعثت بگیریم این است.

امروز مخاطب این حرف، خود ما دولتهای مسلمان و ملت‌های مسلمان هستیم؛ همه‌ی ما مخاطبیم. باید بدانیم اگر در دنیا چیزی مطالبه میکنیم یا امید به لطف الهی در آخرت بسته‌ایم، باید به مفهوم بعثت و مقتضای بعثت و حرکت بعثت متشبّث بشویم. مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ (۱۲) عزّت آنجا است. عزّت یعنی کسی دارای حالتی باشد که هیچ عامل بیگانه‌ای نتواند بر روی او اثر سوء بگذارد؛ این عزّت است. إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. (۱۳) نه دشمن، نه عوامل گوناگون فکری، روحی، خارجی، جسمانی، روحانی – همه‌جور – نمیتواند اثر بگذارند وقتی که عزّت وجود داشته باشد. یا در آیه‌ی شریفه [دیگری میفرماید]: وَ لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ (۱۴) اگر ایمان باشد، شما برترین هستید، بالاترین هستید.

خب، کارکرد عقل را امروز ما در دنیا مشاهده کنیم و عقل را به کار بیندازیم؛ اگر عقل را به کار بیندازیم، میتوانیم خیلی از مفاهیم عالم را بفهمیم. در دعا [هست که] «اللّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَ فَهْمًا فِي خَلْقِكَ»؛ (۱۵) درک واقعیّات جامعه‌ی بشری؛ این [واقعیات] را درک بکنیم. ما به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان ایران اسلامی، به عنوان مسئولان سیاسی یک کشور بزرگ و مهم – کشور عزیز ما یک کشور واقعاً استثنائی است از جهات گوناگون – باید توجّه بکنیم و بفهمیم این حقایقی را که در عالم وجود دارد.

استعمار قدرتهای ظالم، در درجه‌ی اوّل و در مرحله‌ی اوّل، از غارت منابع شروع کرد. شما [اگر] بخوانید تاریخ استعمار را، اوّلین چیزی که اینها هدف قرار دادند و دنبال کردند، منابع طبیعی بود؛ در مرحله‌ی اوّل از اینجا شروع کردند؛ این یک مرحله است. مرحله‌ی بعدی، تخریب فرهنگ‌های اصیل ملت‌ها بود. داستان تلخی است این داستان؛ یعنی شرح این مطلب از آن چیزهایی است که واقعاً گریه‌آور است که اینها چه کردند با ملت‌ها و با تمدن‌ها! در همین آفریقایی که شما ملاحظه میکنید، تمدن‌هایی وجود داشته، فرهنگ‌های اصیلی وجود داشته؛ اینها آمدند وارد شدند همه‌چیز را به هم ریختند، همه‌چیز را خراب کردند، تخریب کردند و در واقع، اینجا هم غارت کردند؛ غارت فرهنگی. و در مرحله‌ی بعدی، چشم به هویت ملّی و دینی ملت‌ها دوختند تا آن را تحت تصرّف بگیرند.

ما امروز دچار هر سه مرحله‌ی استعماریم. امروز هم دستگاه‌های قدرت زورمند شیطانی عالم، هم به منابع طبیعی کشورها و ملت‌ها چشم دارند و نظر سوء دارند، هم به فرهنگ اصیل آنها، هم به هویت ملّی و اسلامی آنها نظر دارند و درصدد تخریب اینها، درصدد تصرّف اینها هستند. البته همه یک جور نیستند؛ در رأس اینها آمریکا است. امروز آن توصیفی که ما برای استعمار و استکبار میکنیم، مصداق اتمّش دولت آمریکا است که زیر نفوذ قدرتمندان مالی دنیا است؛ یعنی امروز قدرتمندان درجه‌ی یک مالی دنیا بر تعدادی از حکومت‌های غربی – که از جمله‌ی آنها و شاید هم بیشترین آنها دولت آمریکا است – مسلّطند؛ به تعبیر رایج خودشان، کارتل‌ها و تراست‌ها و امثال اینها مسلّطند و نقشه‌ی هر سه مرحله‌ی استعمار را اینها دارند میکشند. اینکه می‌بینید هر روزی یک سوغات تازه‌ی عملی در زمینه‌های بشری، در زمینه‌های جنسی، در زمینه‌های مالی، پی‌درپی بروز میکند، ناشی از این است؛ [یعنی] همین تغییر هویت ملت‌ها، تغییر مصالح ملت‌ها و کشاندن آنها به سمت خودشان.

قرآن توصیف روشنی دارد: [میفرماید:] «وَكُذِّبُوا مَا عَنِتُّمْ»؛ هر چیزی که شما را دچار مشکل میکند، دشمنان شما، کفار، و کسانی که تابع شیطان هستند و شیطانی حرکت میکنند، آن را دوست میدارند. «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»؛ (۱۶) دشمنی در زبان‌شان هم پیدا است؛ حرف هم که میزنند، نطق هم که میکنند، دشمنی‌شان را نشان میدهند؛ حرکت هم که میکنند، دشمنی را نشان میدهند، اما آنچه در دل‌شان هست بیشتر است؛ آنچه دشمنی آنها را [ایجاد میکند]. گاهی اوقات، در یک مواردی این دشمنی‌ها ظاهر میشود؛ یعنی یک جاهایی همان ضمائر خصمانه‌ی خبیث در مواردی خودشان را نشان میدهند. مثلاً فرض کنید در کنگره‌ی آمریکا برای تکه‌تکه شدن هزاران کودک، نمایندگان بلند میشوند، برای قاتل کف میزنند و تشویقش میکنند! این همان «وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» است که اینجا ظاهر میشود، اینجا [خودش را] نشان میدهد. چندین هزار کودک را تکه‌تکه کنند، بعد بیایند اینجا مورد تشویق قرار بگیرند! یا کاپیتان ناو وینسنس آمریکا بزند یک هواپیمای مسافربری را با حدود سیصد مسافر سرنگون کند و همه‌ی سرنشینان را هلاک کند، بعد به او مدال تشویقی بدهند. (۱۷) این «ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ» اینجا ظاهر میشود، اینجا نشان میدهد خودش را. اینها همیشه پشت لبخندهای دیپلماسی پنهان است؛ پشت لبخندهای دیپلماسی، این جور دشمنی‌ها، این جور کینه‌ها، این باطن خبیث، پنهان است. چشمانمان را باز کنیم: وَفَهُمَا فِي خَلْقِكَ. چشمانمان را باز کنیم؛ «تَسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ» (۱۸) نباشیم. حواسمان باشد که با چه کسی مواجهیم، با چه کسی معامله میکنیم، با چه کسی داریم حرف میزنیم؛ این را بدانیم. انسان وقتی که طرف خودش را شناخت، ممکن است معامله هم بکند اما میفهمد که چه کار باید بکند. باید بشناسیم، بدانیم.

به نظر من در دوره‌ی کنونی ما، این جریان مقاومت، این حرکت مقاومت، یک رشحه‌ای از همان بعثت است. مقاومت که از ایران اسلامی آغاز شد، بیدار کرد ملت‌های مسلمان را؛ بعضی از ملت‌های مسلمان را به صحنه آورد؛ ملت‌های مسلمان را عموماً بیدار کرد و وجدان‌های بسیاری از غیر مسلمانها را هم بیدار کرد. نظام سلطه شناخته شد، شناسانده شد. بسیاری از ملت‌ها، نظام سلطه را نمی‌شناختند.

شما نگاه کنید به غزه! غزه‌ی منطقه‌ی محدود کوچک، رژیم صهیونیستی تا دندان مسلح و دارای پشتیبانی کامل آمریکا را به زانو درآورد؛ غزه رژیم صهیونیستی را به زانو درآورد! این شوخی است؟ این همان رشحه‌ای از بعثت است؛ این همان ایمان و عقل است؛ این همان تلاوت آیات قرآن است؛ این دل بستن به خدا است؛ این همان اعتقاد به «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» است. حزب الله سرافراز خسارتی در حد فقدان شخصیتی مثل سیدحسن نصرالله میبیند؛ این شوخی نیست! ما مگر چند انسان بزرگ در دنیا در قدوقاره‌ی سیدحسن نصرالله (رضوان الله تعالی علیه) – این شهید بزرگوار – داریم؟ یک چنین شخصیتی از بین حزب الله رفت؛ دشمن و دوست خیال میکردند حزب الله تمام شد؛ حزب الله نشان داد که نه فقط تمام نشده، در یک مواردی انگیزه‌اش بیشتر هم شده و توانست در مقابل رژیم صهیونیستی بایستد؛ این همان [رشحه‌ی بعثت] است. این مال مسلمانها بود.

در غیر مسلمانها وجدانها تکان خورد. آماری که به من دادند، در حدود ۳۰ هزار تظاهرات ضد صهیونیستی، ۳۰ هزار تظاهرات ضد صهیونیستی در ۶۱۹ شهر جهان در طول این مدت به راه افتاد! مردم بیدار شدند؛ وجدانها بیدار شد؛ این مقاومت است؛ این مقاومت رشحه‌ای از بعثت است. در خود آمریکا عده‌ای جمع شدند – که آمریکایی بودند – گفتند: «مرگ بر آمریکا»؛ در خود آمریکا! این همان تحوّل ادراکی است؛ این همان چیزی است که انبیای عظام به آن همت گماشتند، و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و شگفت‌انگیزترین نوع آن را رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان خود و تا آخر دنیا به وجود آورد، و امروز مقاومت هم دارد آن را نشان میدهد. بنابراین حواسمان به این حقایق باشد و این آیه‌ی قرآن را فراموش نکنیم که «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

- (۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر مسعود پزشکیان (رئیس جمهور) مطالبی بیان کرد.
- (۲) سوره ی یس، بخشی از آیه ی ۶۸ ؛ «... آیا نمی اندیشند؟»
- (۳) از جمله، سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۲۴۲ ؛ «... باشد که بیندیشید.»
- (۴) از جمله، سوره ی اعراف، آیه ی ۱۷۶ ؛ «... شاید که آنان بیندیشند.»
- (۵) از جمله، سوره ی نساء، آیه ی ۸۲ ؛ «آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟...»
- (۶) سوره ی ملک، بخشی از آیه ی ۱۰ ؛ «و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم ...»
- (۷) سوره ی اعراف، بخشی از آیه ی ۵۹ ؛ «... ای قوم من! خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم.»
- (۸) سوره ی شعراء، از جمله آیه ی ۱۰۸ ؛ «از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید»
- (۹) نهج البلاغه، خطبه ی اول ؛ «[پس پیامبران خود را برانگیخت] و یکی پس از دیگری فرستاد تا عهد خداشناسی را که در فطرت آدمی بود باز طلب کنند، و نعمت از یاد رفته را باز به یاد آورند، و با مدد حجت و برهان، آنان را به راه آورند و گنجینه های دانش پنهانی را برون آرند.»
- (۱۰) سوره ی بقره، بخشی از آیه ی ۱۷ ؛ «... خدا نورشان را بُرد و در میان تاریکی هایی که نمی بینند رهایشان کرد.»
- (۱۱) سوره ی قصص، آیه ی ۴۹ ؛ «قُلْ فَأَتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا اتِّبِعْهُ»
- (۱۲) سوره ی فاطر، بخشی از آیه ی ۱۰ ؛ «هر کس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آن خدا است ...»
- (۱۳) سوره ی یونس، بخشی از آیه ی ۶۵ ؛ «... عزّت، همه از آن خدا است. ...»
- (۱۴) سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۳۹ ؛ «و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.»
- (۱۵) کافی، ج ۲، ص ۵۸۶
- (۱۶) سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۱۸ ؛ «... آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان آشکار است ؛ و آنچه سینه هایشان نهان میدارد، بزرگ تر است ...»
- (۱۷) در دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ هواپیمای مسافری جمهوری اسلامی که از بندرعبّاس عازم دُبی بود، هدف موشک ناو جنگی وینسنس آمریکا در خلیج فارس قرار گرفت و ۲۹۰ مسافر آن – از جمله ۶۶ کودک و ۵۳ زن – شهید شدند. پس از چندی، دولت آمریکا به «ویلیام راجرز»، فرمانده ناو وینسنس، نشان شجاعت اعطا کرد!
- (۱۸) سوره ی ممتحنه، بخشی از آیه ی ۱ ؛ «... [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار میکنید ...»